

علیه سرمایه‌داری، فاشیسم و مردسالاری به نام "زن"، زندگی، آزادی"

در آستانه‌ی روز جهانی کارگر و در حالی که آتش بحران‌های معیشتی، زیست‌محیطی، و اجتماعی بیش از گذشته زیانه می‌کشد و زندگی‌های ما را به کام نابودی می‌برد، بازپس‌گیری حق حیاتمان، مستلزم بازشناسی قدرت ما در مقام طبقه‌ی کارگر و پیکار همه‌جانبه علیه سرمایه‌داری است. سلاح ما در این نبرد اعتصاب، سازماندهی و بازپس‌گیری زمان کار و تن‌ها و زندگی‌هایمان از چنگال سرمایه‌داران است. و در مقابل ما، سلاح سرمایه‌داری چیزی نیست جز فاشیسم، مردسالاری و نظامی‌گری روزافزون. چنان‌که این روزها در ایران و سودان و فرانسه دیدیم؛ تا از خاطر نبریم که از «شمال تا جنوب جهانی»، همه‌ی ما ساکنین سرزمین واحدی هستیم به نام «سرمایه‌داری».

ارزش در جامعه سرمایه‌داری از طریق سرقت ساعات زندگی کارگران و استثمار نیروی کار آنها تولید می‌شود و بهمین دلیل دست‌کشیدن منظم و سازمان‌یافته از کار (یا همان اعتصابات طبقه‌ی کارگر) همواره می‌تواند کنشی انقلابی، ریشه‌ی و ویران‌گر نظم موجود و ستم حاکم باشد. در چنین مبارزاتی، سرمایه‌داری از ابزارهای خشن و وحشیانه‌ی خود برای سرکوب ما استفاده خواهد کرد؛ و ما از عزم و توان و آگاهی جمعی خود برای گسترش اعتصابات و همبستگی انقلابی در سطوح مختلف: نقطه در خیابان‌ها و مناسبت‌ها، بلکه در تمام محیط‌های کار و تحصیل، کارخانها و دانشگاه‌ها و مدارس و اماکن عمومی؛ نه در محدوده‌ی مرزهای ملی، بلکه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی.

سرمایه‌داری می‌کوشد با توسل به مردسالاری، زنان را در زنجیر کار بی‌دستمزد خانگی یا فرایندهای ارزان‌سازی و بی‌ثبات‌سازی نیروی کارشان به بند بکشد؛ همچنان که مهاجران را با ابزار نژادپرستی و مکانیسم‌های فاشیستی به کف هرم نیروی کار تبعید می‌کند و از مشارکت در زیست اجتماعی محروم‌شان می‌سازد؛ و یا از طریق برتری‌جویی ملی و ستم ملی، سلیمالکیت و محرومیت را بر انبوهی از انسان‌ها تحمیل می‌کند. همه‌ی این ابزارها و مکانیسم‌ها، استثمار و ستم مضاعف را به‌ضرر آزادی زن و زندگی بازتولید می‌کنند.

به‌همین دلیل است که ما روز جهانی کارگر را در پیوند با شعار محوری قیام ژینا در ایران - یعنی «زن، زندگی، آزادی» - می‌فهمیم. چرا که آنچه باید دود شود و به هوا رود چیزی نیست جز سرمایه‌داری، و مردسالاری و فاشیسم همبسته‌ی آن؛ و آنچه رها می‌شود و امکان نو می‌آفریند: زن و زندگی و آزادی است.

در این روزها همچنین شاهد شجاعت و ابتکار کارگران در ایران (به‌خصوص کارگران پیمانی و پروژه‌ای در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی) بودیم که تحت شدیدترین فشارها، متحد و مصمم و پرشمار، بار دیگر اعتصابات گسترده و هماهنگ برپا کرده‌اند. بسیاری از آنان بی‌ثبات‌کارانی هستند که به‌رور از خانواده و در شرایط اقلیمی سخت چرخ صنایع را به گردش در می‌آورند، و به‌ناچار در خوابگاه‌های نامناسب و پرجمعیت، و با غذای ناکافی و غیرمفید نیروی کار خود را بازتولید می‌کنند؛ بی‌آنکه به امکانات بهداشتی و رفاهی و حمل‌ونقل مناسب دسترسی داشته باشند. آنها در این اعتصابات از جمله مطالبات زیر را رو به کارفرمایان و پیمانکاران و دولت طرح کرده‌اند: افزایش ۷۹ درصدی دستمزد، کاهش ساعات کاری، افزایش ایمنی در محیط کار، حق ده روز استراحت در برابر بیست روز کار (کمپین ۲۰/۱۰)، بهبود شرایط زیست روزانه شامل غذا، خوابگاه، بهداشت و غیره. مبارزات آنها بی‌گمان بخشی از پیوستار جهانی مبارزات روزمره‌ی کارگران برای بهبود شرایط طاقت‌فرسای کار و حیاتشان است. اما با نظر به ناتوانی ساختاری سرمایه‌داری بحران‌زده در تامین حقوق و نیازهای اولیه‌ی کارگران، این مبارزات می‌توانند بخشی از فرآیند کلان‌تر خلعید از سرمایه‌داری در جهت رهایی انسان طبیعت باشند.

برای تقویت چنین چشم‌اندازی و برای بازپس‌گیری حق زندگی، ما نیز با تمام قوا از مبارزات این کارگران و سایر هم‌زنجیرانمان پشتیبانی خواهیم کرد و در همبستگی با مبارزات کارگری - از ایران تا فرانسه و از سودان تا هرکجای این جهان بحران‌زده - با یک برنامه‌ی مشترک به مناسبت اول ماه می به خیابان‌ها خواهیم آمد.

استوار باد قدم‌های رزمنده‌ی جنبش کارگری

گسترده باد همبستگی بین‌المللی کارگران و مبارزات انقلابی تا رهایی از ستم و سلطه‌ی سرمایه‌داری